

فرازهای حساس از زندگانی

امیر مؤمنان (ع)

(۵)

است، کافی بود که فردی به دوستی علی متهم گردد، و دو نفر از همان قماشهایی که دور حکومت ننگین وقت گرد آمده بودند، به دوستی وی باخاندان علی گواهی دهند در این موقع فوراً برنام او در «لیست» کارمندان دولت قلم می کشیدند و حقوق او را قطع می کردند.

معاویه در یکی از بخشنامه های خود، به استانداران و فرمانداران، چنین خطاب کرد و گفت: «اگر ثابت شد که فردی دوستدار علی و خاندان او است نام او را از صورت کارمندان دولت محو کنید، و حقوق او را قطع، و از همه مزایا محروم نمایند (۱)»

در بخشنامه دیگری گام فراتر نهاد و به طور مؤکد

تاریخ بشریت کمتر شخصیتی را چون علی (ع) سراغ دارد، که دوست و دشمن، دست به دست هم دهند تا فضائل برجسته و صفات عالی انسانی او را مخفی و پنهان سازند، - مع الوصف - اوصاف و فضائل او، محیط دوست و دشمن را پر کند. دشمن کینه و عداوت او را به دل گرفته و از روی بدخواهی در اخصاء مقامات بزرگ او کوشیده است، دوست که از صمیم قلب به او مهر می ورزید، بخاطر تهدید به شکنجه و اعدام، چاره ای نداشت که لب فرو بندد، و به مودت و دوستی او تظاهر نکند و سخنی درباره وی نگوید.

کوشش های ناجوانمردانه خاندان اموی، در محو آثار و فضائل خاندان علوی، فراموش نشدنی

(۱) انظرو الی من قامت علیه الیئنه انه یحب علیا و اهل بیته فامحوه من الدیوان و اسقطوا عطاءه و رزقه

به کسانی که مناقب و فضائل عثمان را نقل میکنند ، احترام کنید ، و نام و نشان آنان را برای من بنویسید تا خدمات آنان را با پادشاهان کلان ؛ جبران کنم . يك چنین نوید ، سبب شد که در تمام شهرها ، بازار جعل اکاذیب به صورت فضائل عثمان ، داغ و گرم گردد ، و روایان فضائل از طریق جعل حدیث درباره خلیفه سوم ، ثروت کلانی به دست آرند ، کار به جایی رسید که خود معاویه از انتشار فضائل بی اساس ، به صورت رسوا ، ناراحت گردید ، و برای بار پنجم دستور داد که از نقل فضائل عثمان خودداری کنند ، و به نقل فضائل دو خلیفه اول ؛ و صحابه دیگر همت ورزند ، و اگر محدثی درباره «ابوتراب» فضیلتی را نقل کند ، فوراً شبیه آن را درباره یاران دیگر پیامبر جعل کنند و منتشر سازند زیرا يك چنین کار برای کوبیدن براهین شیعه علی ، مؤثرتر می باشد . (۵)

مروان بن حکم از افرادی بود که می گفت : دفاعی که علی از عثمان کرد هیچ کس نکرد - مع الوصف - لعن امام ردد زبان او بود ، وقتی به او اعتراض کردند که با چنین اعتقادی درباره علی ، چرا به او ناسزا می گوئی در پاسخ گفت : پایه های حکومت ماجز با کوبیدن علی و سب و لعن او محکم و استوار نمی گردد برخی از آنان با این که به پاکی و عظمت و

دستور داد که گوش و بینی افرادی را که به دوستی خاندان علی تظاهر می کنند ببرد و خانه های آنها را ویران سازد ا (۲) در نتیجه این فرمان ، بر ملت عراق ، به ویژه مردم کوفه ، آنچنان فشار آمد که احدی از شیعیان ، از ترس مأموران مخفی حکومت معاویه ، نمی توانست راز خود را ، حتی به دوستان خود ابراز کند ، مگر این که قبلاً ، او را سوگند می داد که راز او را فاش نسازد (۳)

اسکافی در کتاب : «نقض عثمانیه» می نویسد : دولت های اموی و عباسی نسبت به فضائل علی حساسیت خاصی داشتند و برای جلوگیری از انتشار مناقب وی ، فقیهان و محدثان و قضات دادگستری را احضار می کردند و فرمان می دادند که هرگز نباید درباره مناقب علی سخنی نقل کنند ، از این جهت ، گروهی از محدثان اسلامی ناچار بودند که مناقب امام را به طور کنایه نقل کنند و بگویند : مردی از قریش چنین کرد» ا (۴)

معاویه برای بار سوم به نمایندگان سیاسی خود در استانهای اسلامی نوشت : شهادت شیعیان علی را در هیچ جریانی نپذیرید . ا

این سخت گیریهای خارج از حد نتوانست ، جلوگیری از انتشار فضائل خاندان علی را بگیرد ، از این جهت معاویه برای بار چهارم به استانداران وقت نوشت :

(۲) من اتهمتموه بموالاة هؤلاء فنكلوا به واهدوا اداره ا

(۳) شرح حدیدی ج ۳ ص ۱۵ طبع بیروت .

(۴) شرح حدیدی ج ۱۳ ص ۲۱۹

(۵) شرح حدیدی ج ۳ ص ۱۵

لن وسب علی ، شصت سال تمام در بالای منابر ،
 و مجالس وعظ و خطابه ، و جلسات درس حدیث ، در
 میان خطبا و محدثان وابسته به دستگاه معاویه ادامه
 داشت ، تا آنجا که روزی حجاج به مردی تند
 کرد و با او به خشونت سخن گفت وی که فردی از
 قبیله «بنی اوده» بود روبه حجاج کرد و گفت : امیرا
 با ما این طور سخن مگو ، مادارای فضیلتهائی هستیم
 حجاج از فضائل پنداری او پرسید ، وی در پاسخ
 گفت : یکی از فضائل ما این است که اگر کسی
 بخواهد با ما وصلت کند نخست از او می پرسیم آیا
 «ابو تراب» را دوست داری یا نه ؟ ! اگر کوچکترین
 علاقه ای به او داشته باشد ، هرگز با او وصلت
 نمی کنیم عداوت ما با خاندان علی تا این حد است
 که در میان قبیله ما مردی پیدا نمی شود که نام او
 حسن و یا حسین باشد یا دختری که نام او فاطمه
 باشد اگر به یکی از افراد قبیله ما گفته شود که از علی
 بیزاری بجوید او فوراً از فرزندان او نیز بیزاری
 می جوید (۷)

بر اثر پافشاری خاندان امیه در محو شخصیت علی ،
 و انکار فضائل و مناقب او فکر بدگویی درباره علی
 آنچنان در قلوب پیرو جوان رسوخ کرده بود ، که
 آن را يك عمل مستحب و یا يك فریضه اخلاقی
 می شمردند روزی که عمر بن عبدالعزیز خواست این
 لکه ننگین را از دامن جامعه اسلامی پاک سازد ،

سوابق درخشان علی معتقد بود ؛ ولی برای حفظ
 مقام و موقعیت خود ، زیر ضربات شدید وجدان ، به
 علی و فرزندان او ناسزا می گفت .

عمر بن عبدالعزیز می گوید: پدرم عبدالعزیز
 فرماندار مدینه و از گویندگان توانا و سخن سرایان
 نیرومند بود ، خطبه نماز را با کمال فصاحت و بلاغت
 ایراد می کرد ، ولی از آنجا که طبق بخشنامه حکومت
 شام ، ناچار بود که در میان خطبه نماز ؛ علی و
 خاندان او را لعن کند هر موقع سخن او به این نقطه
 می رسید ، ناگهان در گفتار خود دچار لکنت شده و
 چهره اود گریگون می گردید ، و سلاست سخن را از
 دست می داد ، من از پدرم علت آن را پرسیدم وی
 گفت اگر آن چه را که من از علی میدانم ، دیگران نیز
 می دانستند کسی از ما پیروی نمی کرد ؛ و من با توجه
 به مقام منیع علی ، به او ناسزا می گویم ، زیرا
 برای حفظ موقعیت «آل مروان» ناچارم چنین کاری
 را بکنم و پاروی وجدان بگذارم و اورا سب و لعن
 نمایم !! (۶)

قلوب فرزندان امیه ، مالمال از عداوت علی
 بود ، وقتی گروهی از خیراندیشان به معاویه توصیه
 کردند که دست از این کار بردارد ، وی گفت این
 کار را آن قدر ادامه خواهیم داد که کودکان ما با
 این فکر بزرگ شوند ، و بزرگان با این حالت پیر
 گردند .

(۶) شرح نهج البلاغه حدیدی ج ۱۳ ص ۲۲۱

(۷) فرحة الغری نگارش مرحوم سیدابن طاوس جاب نجف ص ۱۳ - ۱۴

نویسندگان متعصب که درسنگرهای علمی نشسته‌اند از حمله و تجاوز به حقوق خاندان علی خودداری نکرده‌اند و هم اکنون که ۱۴ قرن از تاریخ اسلام می‌گذرد، برخی که خود را روشنفکر و آزاد مرد و رهبر نسل نو می‌پندارند از طریق نیش قلم، به مقاصد اموی کمک کرده، و پرده بر روی افتخارات امام می‌کشند اینک يك گواه روشن:

وحی الهی در کسوه حراء بر قلب پیامبر نازل گردید و او را به مقام نبوت و رسالت مفتخر ساخت (رسالتی که باید در سطح جهانی پیاده گردد و تمام ملل روی زمین زیر پرچم آئین اسلام درآیند) و فرشته وحی اگرچه او را به مقام رسالت مفتخر ساخت ولی نقطه شروع کار و وقت تبلیغ رسالت را برای مردم معین نکرد از این نظر پیامبر مدت سه سال از دعوت عمومی خودداری نمود تنها از رهگذر تماسهای خصوصی با افراد قابل و شایسته توانست گروه کمی را به آئین خویش هدایت کند.

در این لحظات حساس يك وحی فرا رسید و فرمان داد که پیامبر دعوت همگانی خود را از طریق دعوت خویشاوندان و بستگان آغاز نماید و با آیه زیر به او خطاب کرد و گفت: «**وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ عَصَاكَ فَعَلْنَا بِرَبِّكَ مَا تَعْمَلُونَ (۹)**»: «بستگان نزدیک خود را از عذاب الهی بیم ده؛ پروبال پر مهر و مودت خود را بر سر

ناله گروهی از تربیت یافتگان مکعب اموی بلند شد و گفتند که خلیفه می‌خواهد سنت اسلامی را از بین ببرد.

واکنشهای معکوس:

با این همه صفحات تاریخ اسلام گواهی می‌دهد که نقشه‌های ناجوانمردانه فرزندان «امیه» نقش بر آب گردید و کوششهای پی‌گیر آنان؛ کاملاً نتیجه معکوس داد، و آفتاب وجود امام، از لایبالی او هام و پندارهای خطیبان دستگاه اموی کاملاً درخشیدن گرفت و اصرار دشمن نه تنها از موقعیت او در دل‌های بیدار نکاست، بلکه سبب شد که گروهی بادل‌ی‌بیدار و چشمانی کنج‌کاو، درباره علی بررسی بیشتری نمایند، و شخصیت امام را دور از جنجال‌های سیاسی مورد بررسی قرار دهند، تا آنجا که «عامر» نوه عبدالله بن زبیر دشمن خاندان علوی به فرزند خود توصیه کرد که از بدگوئی پشت سر علی دست بردار زیرا بنی‌امیه علی را شصت سال بالای منابر سب کردند ولی نتیجه‌ای جز بالارفتن مقام و شخصیت علی و جذب دل‌های بیدار به سوی وی نداشت (۸)

نویسندگان متعصب:

پنهان کردن فضائل امام و غرض‌ورزی در تحلیل حقایق مسلم، مخصوص عصر بنی‌امیه نبود بلکه همواره این نمونه کامل انسانیت از طرف دشمنان و مغرضان، مورد تعدی قرار گرفته است گروهی از

(۸) شرح نهج البلاغه حدیدی ج ۱۳ ص ۲۲۱

(۹) سوره شعراء آیه ۲۱۴ - ۲۱۶

آماده سازد .

مهمانان همگی در وقت معین به حضور پیامبر شتافتند و پس از صرف غذا «ابولهب» عموی پیامبر با سخنان سبک خود ، مجلس را از آمادگی برای طرح سخن و تعقیب هدف ، بر انداخت و مجلس بدون اخذ نتیجه به پایان رسید و مهمانان پس از صرف غذا و شیر ، خانه رسول خدا را ترک گفتند و پیامبر تصمیم گرفت که فردای آن روز ، ضیافت دیگری ترتیب دهد و همه آنان را جز ابولهب به خانه خود دعوت نماید ، باز علی (ع) به دستور پیامبر غذا و شیر آماده نماید و از شخصیت‌های برجسته و شناخته شده بنی هاشم برای صرف نهار و استماع سخنان پیامبر دعوت به عمل آورد مهمانان همگی در موعد مقرر حضور بهم رسانیده و پیامبر پس از صرف غذا ، سخنان خود را چنین آغاز نمود . . .

(نانام)

افراد با ایمان بگشا (و نسبت به آنان ابراز علاقه و محبت کن) و اگر بانو از در مخالفت وارد شدند بگو من از کارهای (بدشما) بیزارم ،

علت این کینه دعوت خویشاوندان برای نقطه شروع انتخاب شد این است که تا نزدیکان يك رهبر الهی و یا اجتماعی به او ایمان نیاورند و او پیروی نکنند هرگز دعوت او درباره بیگانگان مؤثر واقع نمی شود . زیرا نزدیکان انسان ، همواره از اسرار و رازها و ملکات خوب و بدوی ، کاملاً واقف و مطلع هستند ، ایمان آنان نشانه و ارستگی مدعی رسالت به شمار می رود چنانکه اعراض و روی گردانی اکثریت قریب با اتفاق از آنها ، نشانه دوری مدعی از خلوص و صفا و صدق در ادعا است .

از این نظر پیامبر به علی دستور داد که چهل و پنج نفر از شخصیت‌های بزرگ بنی هاشم را برای ضیافت نهار دعوت کند و غذایی از گوشت و همراه باشیر

دعوی عبدالله خان و وزیر فرهنگ بریتانیا

عبدالله خان اهل پاکستان بر سر مدرسه رفتن دخترش «کلثوم بانو» با خانم «تایچر» وزیر فرهنگ بریتانیا در افتاده است زیرا خانم وزیر به این علت که مدارس دخترانه شهر «بردورد» بر شده است ، دستور داده که نام «کلثوم بانو» را در يك مدرسه مختلط بنویسند عبدالله خان هم در اداره فرهنگ شهر مذکور میگوید : خانم وزیر و دیگر همکاران او برای خراب کردن دخترها برنامه ریزی کرده اند .

عبدالله خان اضافه میکند که «دختر ۱۴ ساله من تازه بالغ شده و مذهب اسلام بما اجازه نمی دهد که دختر بالغ من با جوان بیگانه در يك مدرسه و کلاس باشد .»

اطلاعات شماره ۱۴۳۰۸